

## رہیافتی به مفهوم معرفت در متون پهلوی و

### چگونگی پیوند آن با اخلاق و تربیت\*

شیدا ریاضی هروی<sup>۱</sup>، مسعود صفایی مقدم<sup>۲</sup>، محمدجعفر پاکسرشت<sup>۳</sup>، شهرام جلیلیان<sup>۴</sup>

#### چکیده

معرفت و شناخت در متون پهلوی همانند *اوستا*، در واژه «خرد» تبلور یافته است؛ در این متون، اورمزد سرچشمه خرد و دانایی است و با خرد همه آگاه خود، آغاز و پایان آفرینش را رقم میزند. در متون پهلوی، بهمن یا اندیشه نیک، نخستین امشاسپندی است که اهورامزدا آفریده و بوسیله او گنش خود را در آفرینش تحقق میبخشد. همچنین، بهمن نماد و تجلی خرد همه آگاه اورمزد بر آفریدگان است که انسان بواسطه بهره‌مندی از آن، به شناخت دین و اورمزد نایل میشود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تأمل در چیستی مفهوم معرفت و اقسام آن در متون پهلوی میپردازد و چگونگی پیوند آن را با اخلاق و تربیت واکاوی میکند. زیست اخلاقی بعنوان هدف غایی در دین زرتشت، در متون پهلوی در واژه پیمان یا میان‌روی

۶۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۶

\* مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده است.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز؛ Sriaizi.heravi@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ safaei\_m@scu.ac.ir

۳. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ mj\_pakseresht@yahoo.com

۴. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز؛ jalilianshahram@yahoo.com



محقق می‌گردد. اساس این فضیلت اخلاقی بر معرفت مبتنی است. افزون بر این، در متون پهلوی تربیت سنگبنای پرورش آسن‌خرد (خرد ذاتی)، خردمندی و گزینش فضایل اخلاقی است؛ بنابراین معرفت در متون پهلوی سرشت و غایتی اخلاقی دارد و از اینرو یکی از انواع حکمت خالده (جاویدان خرد) بشمار می‌آید.

**کلیدواژگان:** معرفت، متون پهلوی، آسن‌خرد، گوش‌سرود خرد، اخلاق، تربیت، حکمت خالده.

\* \* \*

#### مقدمه

معرفت‌شناسی (Epistemology)، شاخه‌یی از فلسفه است که ماهیت، منابع، ابزار و معیارهای شناخت را بررسی میکند و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد (هاملین، ۱۳۷۴: ۱). در پیشینه تاریخی، اعتقاد به خدا یا ماوراءالطبیعه و نزول حقایق الهی از راه وحی بر مردان و زنان ملهم از عالم بالا، از اعتبار زیادی برخوردار بوده است. ادیان بزرگ تمدن بشری، ادعاهایی را در باب معرفت اقامه کرده‌اند که بر کتابها و نصوص مقدس دینیشان استوار است. ایمان گروندگان این ادیان متضمن اعتقاد به قدرتی متعالی، کلی و روحانی است که مقدم بر تجربه انسان و مستقل از آن است و راهنمای حقیقی او بشمار می‌رود. این حقایق مُنزل از عالم الوهیت در همه زمانها و مکانها اعتبار جهانشمول دارند (گوتک، ۱۳۸۸: ۷).

۷. بر این اساس، میتوان گونه‌یی از معرفت‌شناسی را تحت عنوان «معرفت‌شناسی دینی» (Religious Epistemology) از دیگر اقسام معرفت‌شناسی - اعم از فلسفی و علمی - بازشناخت که محور آن گزاره‌ها و آموزه‌های دینی است و در این میان، اعتقاد به خدا از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. متعلق معرفت‌شناسی دینی، نه دین است و نه ایمان و نه باور دینی، بلکه فقط معرفت دینی<sup>(۱)</sup> است که عالمان و